

آفتاب حقوقی

اولین هفته‌نامه حقوقی کشور

خطراتی
از استاد
امیرناصر کاتوزیان



سه‌شنبه اول اسفند ماه ۱۴۰۲ | سال دوم | شماره ۵۲ | (آفتاب حقوقی به همراه روزنامه سراسری آفتاب بزد)

صفحه ۳

ضرورت نقشه راه بهبود

زیرساخت‌های کریدور میانی

«کریدور میانی» مسیری است که از طریق گرجستان، آذربایجان، دریای خزر و قزاقستان، ترکیه را به چین وصل می‌کند. در سال ۲۰۱۵ نخست‌وزیر ترکیه هماهنگی دو پروژه «کریدور میانی» و ابتکار «کمربند و راه» را اعلام کرد. برای همسویی این دو ابتکار، یادداشت تفاهمی در ۱ ژوئیه ۲۰۱۶ در حاشیه اجلاس سران گروه ۲۰ در هانگژو امضا شد. طرفین در سال ۲۰۱۷ تفاهم‌نامه‌های برای توسعه اقتصاد کمربند و راه و کریدور میانی امضا کردند. بر اساس داده‌های «مؤسسه پیشبرد سرمایه‌گذاری ترکیه» تا سال ۲۰۱۷، بیش از ۸۷۰ شرکت چینی حدود ۲/۲ میلیارد دلار در ترکیه سرمایه‌گذاری کردند که حدود ۷۰ درصد پس از سال ۲۰۱۴ و ذیل ابتکار کمربند و راه در بخش‌های مالی، زیرساخت، ارتباطات، انرژی هسته‌ای و خطوط ریلی بوده است. راه‌آهن باکو - تفلیس - قارس، جزء اصلی کریدور میانی، در ۳۰ اکتبر ۲۰۱۷ به‌طور رسمی افتتاح شد. در سال ۲۰۱۸، پروژه بهبود زیرساخت‌های گاز توزگلو با هزینه ۲۵۰۰ میلیون دلاری توسط چین راه‌اندازی شد. همچنین راه‌آهن زیردریایی مارمارای، تونل اوراسیا، پل سلطان سلیم یاووز که اروپا و آسیا را از طریق استانبول متصل می‌کند (مستقیماً بخش آسیایی را به فرودگاه جدید استانبول متصل می‌کند) را کامل گردید.

تا سال ۲۰۱۷، ۵ پروژه ابتکار کمربند و راه به ارزش ۵۴ میلیون دلار در آذربایجان شروع و پس‌از آن تکمیل شد. شرکت‌های چینی خطوط راه‌آهن را از چین به بندرها اکتائو (قزاقستان) و ترکمن باشی (ترکمنستان) افتتاح کرده‌اند. چین نزدیک به ۲ میلیون دلار در تجهیزات بندر باکو سرمایه‌گذاری کرده و ۷۰ میلیون دلار کمک مالی برای عملیات بندری اختصاص داده است.

در نوامبر ۲۰۱۹، به‌عنوان یک اقدام نمادین برای نشان دادن اینکه این سرمایه‌گذاری‌ها چین را به اروپا متصل می‌کند، قطاری از شیان چین حرکت کرد و با استفاده از مارمارای وارد بخش اروپایی ترکیه شد. در ژانویه ۲۰۲۰، یک کنسرسیوم چینی ۵۱ درصد از پل سلطان سلیم یاووز را خریداری کرد که بخشی از کریدور میانی محسوب می‌شود و ارزش استراتژیک قابل توجهی دارد. اکنون این کریدور به‌عنوان نقشه راه سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۷ و مشترک بین جمهوری آذربایجان، گرجستان، قزاقستان و ترکیه است که

ادامه در صفحه ۲



منصور مظفری وکیل پایه یک دادگستری و
مدیرمسئول آفتاب حقوقی بررسی می‌کند

ابعاد اجتماعی و حقوقی

کروش کمپانی



منصور مظفری
مدیرمسئول
وکیل پایه یک دادگستری

آفتاب حقوقی: در یک هفته گذشته موضوع یک مؤسسه تحت نام «کروش کمپانی» نقل محافل رسانه‌ای شده است. یک مؤسسه مطابق قوانین جاری کشور به ثبت می‌رسد و پس از آن، مؤسسه مذکور مبادرت به پیش فروش گوشی تلفن همراه می‌نماید. مردمی با درآمد اندک که هر روز شاهد کاهش ارزش پولشان هستند اندوخته‌های خود را به امید حفظ ارزش آن به این مؤسسه می‌دهند. با توجه به فعالیت‌های پرخرج این مؤسسه و تبلیغات وسیع آن و همچنین عدم ممانعت از فعالیت غیرمتعارف مؤسسه مذکور از سوی نهادهای متولی و نظارتی مردم نیز بالطبع به آن اعتماد می‌کنند و چهره‌های ورزشی و هنری نیز با همراهی مردم به تبلیغ این مؤسسه می‌پردازند. چنانچه سیستم نظارتی مؤثری همانند برخی کشورها وجود داشت قطعاً می‌بایست آن مؤسسه جهت پیش فروش محصولات و ارائه خدمات با تخفیف، مجوزهای لازم را کسب می‌کرد. حال کدام نهاد و دستگاه اجرایی وظایف خودش را به درستی انجام نداده است تا اینکه مردم و چهره‌های هنری و ورزشی به دردسر نیفتند نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد. قوانین در کشور ما در خصوص نحوه فعالیت مؤسسه «کروش کمپانی» و آیا اینکه اقدامات این مؤسسه مجرمانه بوده است یا خیر؟ و اینکه مسئولیت چهره‌های هنری و ورزشی که به تبلیغ این مؤسسه پرداخته‌اند چه می‌گوید به آن خواهیم پرداخت. به هر حال یکی از ابزارهای ارائه خدمات و معرفی محصولات توسط موسسات، تبلیغات است که این تبلیغات قاعداً از طریق رسانه‌ها، موسسات تبلیغاتی و چهره‌های هنری و ورزشی انجام می‌گیرد.

ماده ۱۹ قانون مطبوعات مقرر می‌دارد: «تشریفات در چاپ آگهی‌های تجارتي که مشتمل بر تعریف و تمجید کالا یا خدماتی که از طرف یکی از مراکز تحقیقاتی کشور که برحسب قوانین رسمیت داشته باشند، تأیید گردد با رعایت ماده ۱۲ آئین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون‌های آگهی تبلیغاتی و بندهای مربوطه مجاز می‌باشند.» ادامه در صفحه ۳



یادداشت-۱



رضایت
وگذشت
قطعی

دکتر ایرج عزیزی

همانطور که مشخص است هدف از مجازات در جرایم کیفری تحقق نظم و تحکیم حق می‌باشد و این تحقق مستلزم ضمانت اجرا است که همان مجازات کیفری و مدنی، (حبس، جریمه، جبران خسارات مادی و معنوی) است حال اگر تشکیل پرونده بر مبنای گزارش...

یادداشت-۲



قصور
پزشکی

وحیداستدی

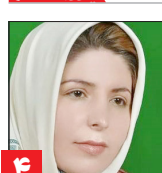
یادداشت-۳



ورود به هیات مدیره
اتحادیه‌های
صنعتی

سید بهادر بهادری

یادداشت-۴



لزوم تغییر رویکرد
پلیس ایران پیرامون
عدالت ترمیمی...

لیلا آریین پارسا

یادداشت-۵



مشروبات
تقلبی

سیدعلی حسینی‌شیدا

یادداشت-۶



آیا حمل
شاهدانه جرم
می‌باشد؟

زهرا رستمی

یادداشت-۷



جاذبی
بعنوان بیمار

نگار کمال

یادداشت-۸



حقوق
مصروف‌کننده

سمیه ساریخانی

یادداشت-۹



کارگرساختمان
مشمول قانون کار
است یا...

محمد رضا صدیقی

یادداشت-۱۰



سهم الارث
اقلیت‌های مذهبی...

مهديه رعیتی

جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره مند می‌گردد. تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴): در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد.

ادامه در صفحه بعد

دانستنی‌های حقوقی

سه‌شنبه اول اسفندماه ۱۴۰۲ • سال دوم • شماره ۵۲



ضرورت نقشه راه بهبود

زیرساخت‌های کریدور میانی

ادامه از صفحه اول:

... شبکه‌های حمل‌ونقل ریلی بار و سیستم‌های کشتیرانی ترکیه و چین را از طریق گرجستان، آذربایجان، دریای خزر و سپس قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان به هم وصل می‌کند. هدف آن افزایش ظرفیت کریدور میانه تا سال ۲۰۲۵ به ۱۰ میلیون تن سالانه است.

بانک جهانی اخیراً گزارش مفصلی تحت عنوان «کریدور تجارت و حمل‌ونقل میانی سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها برای سه برابر کردن حجم بار و نصف کردن زمان سفر تا سال ۲۰۳۰» منتشر کرده و ضمن حمایت از توسعه این کریدور، راهکارهایی

برای توسعه توان عملیاتی آن در افق ۲۰۳۰ ارائه داده است. حجم بار انتقالی از کریدور میانی یا ترانس خزر تا سال ۲۰۳۰ پتانسیل افزایش سه برابری نسبت به سال ۲۰۲۳ را دارا است. در صورت بالفعل شدن این پتانسیل، حجم بار انتقالی از این کریدور می‌تواند به ۱۱ میلیون تن افزایش یابد و زمان سفر را که اکنون ۳۰ تا ۴۵ روز است به نصف کاهش دهد. نحوه افزایش حجم انتقال بار از این کریدور تا ۲۰۳۰ نشان می‌دهد، سهم ترانزیت از ۱۱ میلیون تن بار انتقالی در ۲۰۳۰، ۴/۴ میلیون تن خواهد بود. این کریدور در حال حاضر به دلیل ناکارآمدی‌ها و شکاف‌های زیرساختی با موانع جدی برای نقش‌آفرینی کلیدی در تجارت منطقه‌ای مواجه است. این کریدور با برخی محدودیت‌های زیرساختی از جمله موانع در گذرگاه‌های مرزی، دشواری‌های انتقال بار از قطار به کشتی و ناکارآمدی‌های عملیاتی مواجه است که باید برطرف شود.

تهاجم روسیه به اوکراین، توجه به کریدور میانی را به‌عنوان کریدور جایگزین برای کاهش وابستگی به مسیرهای روسیه افزایش داد. ترافیک کانتینری در این کریدور در سال ۲۰۲۲، ۳۳ درصد افزایش یافت؛ اما در ادامه با چالش‌هایی مواجه شد که منجر به کاهش ۳۷ درصدی در سال ۲۰۲۳ شد. ناکارآمدی‌ها و شکاف‌های زیرساختی در راه‌آهن ترکیه باعث شده که مسیر دریای سیاه در حال حاضر بر مسیر زمینی ترجیح داده شود. زمان نقل‌وانتقال کالا در امتداد کریدور میانی حدود ۳۰ تا ۴۵ روز است که سه برابر زمان سفر از مسیر کریدور شمالی (از طریق روسیه) است.



هزینه‌های حمل‌ونقل بالا و ناپایداری، تأخیرها و مسائل مربوط به لجستیک، اسناد و زیرساخت، فقدان هماهنگی کریدورها، ناکارآمدی عملیاتی در بنادر، چالش‌های زیرساخت‌های ریلی و تأخیر در گذرگاه‌های مرزی از معضلات مهم کریدور میانی است. ترکیبی از سرمایه‌گذاری‌ها و اقدامات کارآمد می‌تواند زمان سفر در امتداد کریدور میانی را تا سال ۲۰۳۰ به نصف کاهش دهد. مدل‌های تخمینی بانک جهانی که در این پژوهش به کار گرفته شده‌اند، افزایش ۳۰ درصدی تجارت چین و اتحادیه اروپا را تا سال ۲۰۳۰ پیش‌بینی می‌کند. انتظار می‌رود که حجم ترانزیت از طریق کریدور میانی تا سال ۲۰۳۰ سه برابر شود؛ اما این کریدور عمدتاً یک کریدور منطقه‌ای باقی خواهد ماند. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و اصلاحات سیاستی برای بالفعل کردن پتانسیل این کریدور مورد نیاز است. سرمایه‌گذاری‌های اولویت‌دار عبارتند از: بهبود رویه‌های عبور از مرز؛ ارتقاء زیرساخت‌های ریلی؛ افزایش ظرفیت بنادر؛ ساده‌سازی رویه‌های گمرکی. اصلاحات اولویت‌دار در حوزه خط‌مشی‌ها عبارتند از: هماهنگ‌سازی مقررات حمل‌ونقل؛ توسعه دیجیتالی شدن رویه‌های تجاری؛ تقویت همکاری‌های منطقه‌ای. بانک جهانی متعهد به حمایت از توسعه این کریدور است و کمک‌های فنی و حمایت مالی برای پروژه‌های این کریدور ارائه کرده است. در صورت عملیاتی شدن، انتظار می‌رود کریدور میانی نقل‌وانتقال کالا را با افزایش ۱/۵ برابری کانتینرها افزایش دهد. پیش‌بینی می‌شود نقل‌وانتقال کالاهای پرارزش مانند کود دو برابر شود و سهم مواد اولیه کاهش یابد.

کریدور میانی فرصتی را برای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی برای تنوع بخشیدن به مسیرهای تجاری، افزایش

انعطاف‌پذیری و کاهش وابستگی به شرکای سنتی ارائه می‌دهد. این کشورها با اتخاذ سیاست‌های سنجیده می‌توانند صادرات را افزایش دهند، به تولید محصولات پیچیده بپردازند و به بازارهای جدید دست یابند. سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای بالفعل کردن پتانسیل‌های این کریدور ۱۱/۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. سرمایه‌گذاری باید در هر سه کشور اصلی مسیر کریدور، یعنی قزاقستان، آذربایجان و گرجستان توزیع شود. آذربایجان، گرجستان، قزاقستان و ترکیه در نوامبر ۲۰۲۲ «نقشه راه» را برای بهبود کریدور میانی امضا کردند. سازمان‌ها و شرکای بین‌المللی، از جمله بانک جهانی، اتحادیه اروپا، EBRD و ADB از کمک‌های فنی و سرمایه‌گذاری‌ها حمایت کردند.

اخیراً شرکت راه‌آهن ملی قزاقستان، راه‌آهن گرجستان و راه‌آهن آذربایجان توافق‌نامه‌ای را برای سرمایه‌گذاری مشترک در توسعه خدمات چندوجهی در مسیر حمل‌ونقل بین‌المللی ترانس خزر (TITR)؛ که عنوان دیگر کریدور میانی است، در تفلیس امضا کردند. در چارچوب این توافق، یک شرکت جدید به نام Multimodal Corridor Middle در مرکز مالی بین‌المللی آستانه (AIFC) ایجاد شده است. این شرکت خدمات را به‌صورت یک مرحله‌ای ارائه می‌دهد، زمان تحویل را تضمین می‌کند و یک سیاست هماهنگ برای توسعه خدمات چندوجهی در مسیر چین - اروپا / ترکیه - چین را دنبال می‌کند. سال گذشته حجم حمل‌ونقل بار در قزاقستان بر امتداد مسیر حمل‌ونقل بین‌المللی ترانس خزر ۲/۵ برابر شد و به ۱/۵ میلیون تن رسید. انجمن بین‌المللی مسیر حمل‌ونقل ترانس خزر که در سال ۲۰۱۷ تأسیس شد، شامل کشورهای آذربایجان، بلغارستان، چین، گرجستان، قزاقستان، لهستان، رومانی و ترکیه است.

در این میان بررسی ضرورت «بازتعریف نقش کریدور ایران» نوشتار دیگری را طلب می‌کند؛ ولی درهرصورت مسلم است که ایران باید به نقش آذربایجان، گرجستان، قزاقستان و ترکیه در توسعه کریدورهای شرقی - غربی؛ به‌ویژه کریدور میانی، توجه ویژه نشان دهد؛ زیرا که نفوذ چین در بخش اقتصادی، سرمایه‌گذاری این کریدورها می‌تواند به خنثی‌سازی نقش ژئوپلیتیک ایران منجر شود.

یادداشت حقوقی

حقوق مصرف‌کننده

برابر ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۹۵ هیأت وزیران: «مسئولیت رسیدگی به شکایات مصرف‌کنندگان و جلب رضایت ایشان در مرحله اول بر عهده عرضه‌کننده می‌باشد. در صورت بروز اختلاف میان عرضه‌کننده و مصرف‌کننده، رأساً از طریق سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها و با نظارت

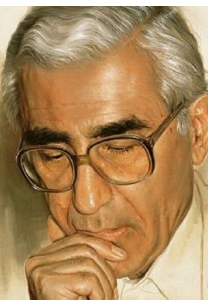


سمیه ساریخانی
وکیل پایه یک دادگستری

سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مورد بررسی و رسیدگی قرار می‌گیرد. چنان‌چه رضایت مصرف‌کننده تأمین نشود، می‌تواند به هیأت حل اختلاف موضوع تبصره ۲ ماده ۳ قانون مراجعه کند. هیأت حل اختلاف موظف است ظرف بیست روز از تاریخ ثبت شکایات به موضوع رسیدگی و نسبت به آن کتبا اعلام رأی کند. مناط رأی نظر اکثریت اعضای هیأت است. این رأی باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اجرا شود». همچنین وفق تبصره‌های ۱ و ۲ این ماده، محل دبیرخانه و تشکیل جلسات هیأت حل اختلاف، سازمان صنعت، معدن و تجارت استان‌ها است و این سازمان مکلف است هیأت‌های حل اختلاف را در محل سازمان تشکیل دهد و امکانات و نیروی انسانی و محل لازم را در اختیار آن‌ها قرار دهد. از مجموع این احکام چنین مستفاد است

که اجرای رأی هیأت هم با سازمان مذکور است. همچنین حکم مقرر در ماده ۱۱ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ هم که مقرر کرده «وزارت صنایع و معادن مکلف به نظارت بر اجرای این قانون در راستای حفظ حقوق مصرف‌کنندگان و اعلام گزارش ادواری شش ماهه به کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی است» مؤید این استنباط است و آراء قطعی هیأت حل اختلاف موضوع ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ در صورتی‌که متضمن محکومیت شرکت خودرو ساز باشد، مطابق قانون مذکور و آیین‌نامه اجرایی آن و دستورالعمل‌های مربوط اجرا می‌شود و در موارد سکوت قانون در چارچوب وظایف و اختیارات سازمان مجری حکم، تابع قواعد عام اجرای احکام مدنی است.

خاطرات حقوقی

خاطراتی
از استاد
امیرناصر کاتوزیان

برگرفته از کتاب «آن سفر کرده» / «دکتر عیسی کشوری» ۳۷

استاد تعریف می‌کرد: در اوایل جوانی، من و دوستانم که اهل نائین بود و پدر بانفوذی داشت، جویای کار بودیم. من به تأیید دیگران، صدای خوبی داشتم و به گویندگی هم علاقه مند بودم، این موضوع را با دوستانم مطرح کردم و به او پیشنهاد دادم تا هر دو در تست گویندگی رادیو شرکت کنیم. ایشان با وجودی که صدای بسیار بم و با لهجه‌ای داشت از پیشنهادم استقبال کرد. پس از مراجعه به مرکز آزمون موردنظر به هر دوی ما متن مشترکی دادند تا در حضور استادی قرائت کنیم. چند روز بعد جهت اطلاع از نتیجه به آنجا مراجعه کردیم. جالب این بود که مرا رد کرده بودند؛ دقیقاً به همان دلیلی که باید دوستانم را رد می‌کردند! آنها به من گفتند: شما لهجه شهرستانی داری و...

یادداشت حقوقی

ورود به هیات مدیره اتحادیه‌های صنفی

سید بهادر بهادری
حقوقدان

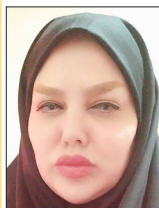
برابر نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه که مقرر نموده نظر به این که به موجب تبصره ۶ الحاقی به ماده ۲۲ قانون نظام صنفی کشور، داوطلب شدن کارکنان اتحادیه‌ها، اتاق اصناف شهرستان و ایران و دستگاههای اجرایی موضوع ماده ۵ قانون

مدیریت خدمات کشوری در انتخابات هیأت مدیره اتحادیه‌های صنفی منوط به استعفاي آنان از شغل قبلی خود پیش از ثبت نام در انتخابات است و اعلام رسمی پذیرش استعفاي کارکنان موضوع این ماده پیش از شروع به کار در هیأت مدیره اتحادیه الزامی است بنابراین ممنوعیت حضور کارمندان اتحادیه یا مجامع امور صنفی در ترکیب هیأت رئیسه مغایر قانون نیست لذا کارکنان شاغل در شهرداریها که تمایل شرکت در انتخابات هیئت مدیره اتحادیه‌های صنفی به عنوان عضو هیأت مدیره مذکور را دارند باید استعفاي خود را قبل از شرکت در انتخابات مزبور اعلام کنند.

یادداشت حقوقی

آیا حامل شاهدانه جرم می‌باشد؟

پاسخ:

زهرا رستمی
عضو مرکز وکلای
قوه قضائیه

در مورد بذر شاهدانه، چنانچه قصد تولید موادمخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر دارویی احراز شود، نگهداری، مخفی کردن و حمل آن بر اساس قانون مبارزه با مواد مخدر، جرم و قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

منصور مظفری وکیل پایه یک دادگستری و مدیرمسئول آفتاب حقوقی بررسی می‌کند

ابعاد اجتماعی و حقوقی کوروش کمپانی

ادامه از صفحه اول:

تبصره: «در مواردی که طبق این ماده، مطبوعات مجاز به درج آگهی‌های مشتمل بر تعریف و تشویق از کالا و خدمات هستند متن این تعریف و تشویق نمی‌تواند از متن تقدیرنامه رسمی مراکز قانونی مذکور در این ماده فراتر رود.»

قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ هم اشاره به این دارد: «تبلیغات خلاف واقع و ارائه اطلاعات نادرست که موجب فریب یا اشتباه مصرف‌کننده از جمله از طریق وسائل ارتباط جمعی، رسانه‌های گروهی و برگزاری تبلیغاتی شود ممنوع می‌باشد.»

در آئین‌نامه اجرایی ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان که در سال ۱۳۹۰ به تصویب هیئت وزیران رسیده است مصرف‌کننده را هر شخص حقیقی و حقوقی معرفی کرده است و بند «د» ماده «یک» آن در خصوص تبلیغ آمده است:

تبلیغ: انتشار هرگونه اطلاعات برای معرفی کالاها و خدمات مشمول این آئین‌نامه از طریق رسانه‌ها از قبیل رادیو، تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای، مطبوعات، سینما، اینترنت، شبکه‌های صوتی و تصویری سازمانی، کارنما، نمایشگاه، اسلاید، بان‌کدهای اطلاعات، سامانه پیام کوتاه، تابلوی سردرب واحد صنفی و تولیدات چاپی نظیر برگ‌های آگهی‌نما، برگ‌های تبلیغاتی، دفترک، دفترچه‌های راهنما، بسته‌بندی، کارت معرفی، آگهی نامه و...

لذا با مرور قوانین مطبوعات و حمایت از حقوق مصرف‌کننده و همچنین آئین‌نامه اجرایی آن، ضوابطی برای تبلیغات توسط سلبریتی‌ها و چهره‌های هنری و ورزشی وجود ندارد. حال عده‌ای از حقوقدانان کشورمان اعتقاد بر این دارند که

یادداشت حقوقی

سوال:

ورثه یهودیان چگونه میتوانند در برابر مرجع

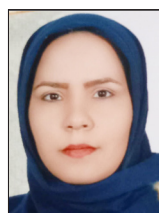
مسئول صدور گواهی انحصار وراثت یهودی بودن مورث را ثابت کنند؟ به خصوص این پرسش مطرح است که چه اسناد و مدارکی باید ارائه شود.

۲- آیا مرجع مسئول صدور گواهی انحصار وراثت رأس‌ادر خصوص تعیین وراث عمل میکند یا اینکه نظر مراجع دیگر از قبیل کنیه یا دادگاه عالی ربیها را هم جویا میشود؟ ۳- آیا مرجع مسئول صدور گواهی انحصار وراثت در پیوند با قانون ارث ایرانی یهودی از احکام دادگاه‌های عالی ربی‌ها پیروی می‌کند؟

پاسخ:

مطابق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۱۲ و قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده مقررات متداول مذهبی آنان اجرا میشود و دین یهود از جمله ادیان به رسمیت شناخته شده به موجب اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و مقررات ارث یهودی در گذشته تبعه ایران تابع مقررات دین یهود است. ۲- در حال حاضر برابر قانون شوراهای حل اختلاف مصوب مرجع صدور گواهی حصر وراثت در ایران شورای حل اختلاف می‌باشد و اظهارات و شناسنامه و اسناد سجلی متوفی نمایانگر دین او می‌باشد و مرجع رسیدگی کننده (شورای حل اختلاف) احکام ناظر به وراثت را از مرجع ذربط (انجمن کلیمیان تهران) استعلام می‌کند ولی تطبیق مصداق

سهم الارث اقلیت‌های مذهبی کلیمی

مهديه رعيتی
حقوقدان

و تعیین وراث بر عهده مرجع رسیدگی کننده است و در ایران دادگاه عالی

ربی‌ها وجود ندارد و انجمن کلیمیان طی نامه شماره ۸۳۵۵-۱۳۷۸/۹/۱۷ اعلام کرده است که هیچ کتاب یا متن ترجمه شده به زبان فارسی در احوال شخصیه و حقوق ارثیه کلیمیان در ایران وجود ندارد و به فرض وجود نیز دارای اعتبار شرعی نیست و در مواردی که به موجب اصل سیزدهم قانون اساسی اعلام نظر مرجع دینی کلیمیان در احوال شخصیه به موجب قوانین فقهی کلیمیان ضرورت پیدا کند واز طرف دادگاه

در این مورد خاص سؤال شود، مرجع دینی کلیمیان با مراجعه و استناد به کتب فقهی خود جواب را برای دادگاه ارسال می‌کند و همانطور که گفته شد در ایران دادگاه عالی ربی‌ها وجود ندارد و اگر این دادگاه خارج از ایران در خصوص مورد استعلام رأی داده باشد، رأی صادره باید مورد تأیید انجمن کلیمیان تهران قرار گیرد و انجمن کلیمیان تهران طی نامه شماره ۸۳۱۷-۱۳۸۲/۸/۱۷ اعلام کرده است که قوانین مربوط به حق الارث کلیمیان از سال ۱۳۵۵ تغییراتی نموده و از این سال به بعد تقسیم ماترک متوفی به شرح ذیل است: فرزند ذکور دو برابر هر یک از دختران و یا همسر متوفی، حق الارث خواهد داشت و در مورد (یک پسر و دو دختر و یک همسر) به طور مثال ماترک او بعد از وضع حقوق قانونی به پنج قسمت مساوی تقسیم می‌گردد و فرزند ذکور دو سهم و دختران و همسر متوفی هر یک از مال الارث یک سهم خواهد داشت و در صورتی که دختران در زمان حیات پدر ازدواج کرده باشند مبلغ جهیزیه از سهم آنها کسر می‌گردد و در صورتی که مبلغ مهریه همسر متوفی از سهم الارث باشد سایر وراث موظفند مهریه را پرداخت نمایند

ماده ۲۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری

کلیه مراجع قضائی مکلفند در موارد قانونی پس از اتخاذ تصمیم بر ممنوعیت خروج اشخاص از کشور، مراتب را به دادستانی کل کشور ارسال دارند تا از آن طریق به مراجع ذی ربط اعلام گردد.

تبصره - دادستان کل کشور در موارد انقضاء مدت قانونی ممنوعیت خروج از کشور اشخاص و عدم تمدید آن توسط مراجع مربوطه، نسبت به رفع ممنوعیت خروج اقدام می کند.

● سه‌شنبه اول اسفندماه ۱۴۰۲● سال دوم ● شماره ۵۲



لیلا آزرین پارسا وکیل پایه یک دادگستری

از منظر حقوقی در برابر نظام عدالت کیفری دو حق برای افراد علی‌الخصوص بزه دیدگان متصور است؛ حق امنیت و حق تأمین. مهم‌ترین وظیفه پلیس به‌عنوان رکن رکین و بازوی اجرایی این نظام تحقق این حقوق با توسل به اقداماتی است که مهم‌ترین آن می‌تواند پیشگیری از بزه و بزه دیدگی باشد.

می دانیم که به اعتبارهای گوناگون انواعی از پیشگیری قابل تعریف است: پیشگیری اجتماعی و وضعی و فناوریانه، پیشگیری عام و خاص، پیشگیری فعال و متغفل، پیشگیری اولین و دومین و سومین، پیشگیری کیفری و غیر کیفری، پیشگیری رشد مدار و انواعی دیگر که تفصیل این نمونه‌ها از حوصله ی مقال حاضر خارج است.

ظهور پلیس نوین با ایجاد پلیس کلان شهری در سال ۱۸۲۹ در لندن آغاز شد و نخستین وظیفه ی آن پیشگیری از جرم بود(مگواپر و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۳ و ۹۷). بر اساس قسمت "د" از بند ۸ ماده‌ی ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی، امر پیش‌گیری از وقوع جرم به‌صورت کلی، یکی از وظائف نیروی انتظامی است. اما در این مورد اختیار فعال و مشخصی برای پلیس متصور نیست. در واقع این سند، فاقد نصوص لازم برای تعیین حدود اختیارات مربوطه در این زمینه است. برای مثال در متون قانونی ایران برای پلیس در مورد زن، دختر یا فرزندی که در نیمه‌های شب از ترس بزه دیدگی قریب‌الوقوع توسط اعضای خانواده با پلیس تماس می‌گیرد و پناهنده‌ی پلیس می‌شود، هیچ تکلیف و اختیار خاصی پیش بینی نکرده است. درحالی‌که به‌موجب قوانین برخی کشورها همچون انگلیس پلیس می‌تواند در این مورد رأساً وارد جرم خصوصی افراد شده و چنین اشخاصی را تا تعیین تکلیف به مکان امن منتقل نماید و یا مظنونین به ارتکاب بزه علیه این فرد را در شرایطی که هنوز بزه‌ی صورت نگرفته توقیف نماید .

شیوه ی سنتی کارکرد پلیس بر حفظ نظم و آرامش، اجرای قوانین، انجام بازداشت و راه حل‌های کوتاه مدت برای مشکلات پایه ریزی شده بود؛ در این شیوه رفاه شهروندان و جامعه ی محلی و همکاری آنان با پلیس نادیده گرفته شده بود(فیشرور پی لب، ۱۳۹۳: ۱۱۱). نارضایی از این شیوه به شکل گیری امور پیشگیرانه ی پلیسی مبتنی بر عدالت ترمیمی انجامید. شکل گیری مباحثی چون پلیس جامعه محور و مسئله محور در امتداد این نارضایی صورت گرفت. رویکرد عدالت ترمیمی از مظاهر سیاست جنایی مشارکتی است ؛ که شامل مرحله ی پیشگیری و واکنش به پدیده ی مجرمانه می‌باشد (دارابی، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

می توان ادعا کرد که مشکل اصلی در رابطه با محقق نشدن پیشگیری از بزه دیدگی، ضعف اختیارات پلیس و نبود رویه ی عملی منسجم در این زمینه است. در چنین شرایطی آیا نباید قائل به برخی محدودیت‌های عمومی در این زمینه برای رسیدن به هدف موردنظر باشیم؟ یا بایستی منتظر بنامیم که بزه دیدگی حادث شود، آن‌وقت از طریق مجازات و جبران خسارت به تأمین عدالت کیفری بپردازیم.؟
آیا در این صورت تمام صدمات معنوی، روحی، روانی، جسمی، مادی و عاطفی بزه دیده و اعضای خانواده و نزدیکان او و حتی جامعه به‌عنوان بزه دیدگان نیابتی بزه جبران خواهد شد؟، آیا نباید حداقل به‌منظور پیش‌گیری از بزه دیدگی، برخی محدودیت‌های جزئی بر حق و حقوق فردی را بپذیریم؟. چه اینکه اشاره شد؛ اگر درست بنگریم، اعمال هرگونه محدودیت تا یک حد مشخص، فی‌نفسه برای تمام کنش گران عرصه‌ی عدالت کیفری به نوعی خیر مطلق است؛ مظنون، متهم، مجرم، فرد مستعد بزه‌کاری، بزه دیده، فرد مستعد بزه دیدگی و نظام عدالت کیفری و عموم جامعه همه از این اقدام منتفع می‌گردند. چرا که نفس مشارکتی از

ماده ۳۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری

دادگاه می‌تواند از شهود به طور انفرادی تحقیق نماید و برای عدم ارتباط شهود با یکدیگر و یا با متهم اقدام لازم را انجام دهد و بعد از تحقیقات انفرادی برحسب درخواست متهم یا مدعی خصوصی یا با نظر خود مجدداً به صورت انفرادی یا جمعی از شهود تحقیق نماید.

یادداشت حقوقی

لزوم تغییر رویکرد پلیس ایران پیرامون عدالت ترمیمی و پیشگیری از بزه دیدگی با نگاهی به تجارب دیگر کشورها

دسترسی پلیس و پزشکان (بانک اطلاعاتی).

۲- ایجاد امکان برقراری آشتی میان بزه دیده و بزه‌کار از طریق توانمندی‌های پلیس، به‌خصوص پلیس‌های محله محور، مسئله محور، مردم محور و جامعه‌محور.

۳- تعبیه‌ی چهارچوب‌های لازم برای استفاده از ظرفیت نهادها، سازمان‌های دولتی و مردمی با محوریت پلیس، برای به حداکثر رساندن میزان جبران خسارات وارده به بزه دیده و حمایت از او. این خسارات اعم از مادی، روحی، روانی و عاطفی می‌باشد. با اندکی توجه درمی‌یابیم که در هر سه مورد یادشده‌ی بالا به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم دست‌یابی به هدف اصلی که پیش‌گیری از بزه دیدگی است در دسترس می‌باشد. نتیجه‌ی نهائی آن نیز تحقق پیش‌گیری از جرم خواهد بود.از تدابیر موردتوجه در بحث چگونگی تعامل ارکان بزه باهم، رابطه‌ی بزه دیده و نظام عدالت کیفری (پلیس) است و آن این بود که سعی کنیم نقش میانجی گر، مردم محور و مسئله محور پلیس را تا حد امکان ارتقاء دهیم. پلیس از این طریق می‌تواند در یک تعامل منطقی همه‌ی ارکان بزه را در راستای اجرای تدابیر روی کرد عدالت ترمیمی به کار گیرد تا بتواند همزمان ضمن پیش‌گیری از بزه دیدگی و جبران خسارات بزه دیده؛ تأدید و اصلاح بزه‌کار را نیز تحقق بخشد.

از نمونه و مصادیق اقدامات انجام‌شده درزمینه ی خدمات‌رسانی به بزه دیده‌ها در سطح بین‌المللی و ایالات متحده‌ی آمریکا و انگلستان می‌توان چنین نام برد:
۱- در سطح بین‌المللی: به موجب بیانیه ی کمیسیون شورای اروپا در رابطه با مانجیگری کیفری، یکی از مظاهر عدالت ترمیمی میانجیگری کیفری است که به عنوان مکمل و حتی جایگزین سیستم عدالت کیفری سنتی معرفی شده است . میانجیگری کیفری می‌تواند به عنوان یک رویکرد پیشگیرانه ی پسا جنایی و حتی پیش جنایی در وضعیت‌هاییِ حین جنایی عمل کند. در بخش ۲ و ۳ از فصل اول قانون جدید میانجیگری در امور کیفری کشور سوند، هدف از میانجیگری پیشگیری از ارتکاب جرم توسط کودکان و نوجوانان ذکر شده است . وجود یک هماهنگ کننده ی ملی اُقدرتی شبیه پلیس] جزو پیشنهادهای دولت سوند در زمان تصویب و اصلاح قانون جدید میانجیگری در امور کیفری آن کشور بود. البته عدم تمایل پلیس در ارجاع [مسائل] به میانجیگری به دلیل اعتقاد به مجازات بزه کاران از مشکلات آن کشور در این حوزه بر شمرده شده است .

برخی کنوانسیون، اعلامیه و تصمیم‌های قابل ذکر بین المللی در زمینه ی خدمت رسانی به بزه دیدگان به شرح زیر قابل ذکر است، که مجال تفصیل آن‌ها میسر نیست.
■ اعلامیه‌ی اصول اساسی عدالت برای بزه دیدگان و سوءاستفاده از قدرت سازمان ملل ۱۹۸۵،
■ کنوانسیون جبران خسارت درباره‌ی جرم و سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۳،
■ توصیه‌نامه درباره‌ی کمک به بزه دیدگان و پیش‌گیری از بزه دیدگی ۱۹۸۷ اروپا،
■ تصمیم اتحادیه‌ی اروپا درباره‌ی چهارچوب حضور بزه دیدگان در فرآیند رسیدگی‌های کیفری ۲۰۰۱ و الزام قانونی آن در سال ۲۰۰۲.

۲- در کشور انگلستان: به‌موجب ماده‌ی ۱۶ قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸ انگلیس، پلیس اجازه دارد تا دانش آموزان را در شرایط

گونه جوامع و وجود اهرم‌های نظارتی متمرکزتر بر پلیس در این گونه مراکز می‌تواند از پاسخ‌های به این سوال باشد. چرا که گفتیم رویه ی اصلی تقنینی و اجرایی حاکم، به نحوی در تضاد با اعمال این اقدامات توسط پلیس هستند. در این رابطه توسعه ی جرایم قابل گذشت، اعطا اختیارات قانونی به پلیس، استفاده از تجربیات نیروهای سلف پلیس و بزرگان جوامع محلی بسیار می‌تواند راهگشا باشد. البته همه ی اینها در ارتباط با هم، و در سایه ی وجود یک سیاست اجرایی منسجم و قدرت اجرایی قوی است که می‌توانند نقش ایفا کنند.

رویکرد ترمیم گرایانه ی سیستم عدالت کیفری و پلیس در دیگر کشورها از آورده‌های عدالت ترمیمی در امور پلیسی و پیشگیری از جرم می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- ورود مفاهیم جدیدتر پلیسی و برنامه‌های پیشگیرانه در این عرصه.
۲- ناخرسندی از شیوه‌های سنتی کارکرد پلیس که بر حفظ نظم و آرامش، اجرای قوانین، انجام بازداشت و راه‌حل‌های کوتاه‌مدت تأکید داشتند و تلاش برای جایگزینی آن‌ها.
۳- شکل‌گیری پلیس جامعه‌محور و مسئله محور که باعث می‌شود، قدرت ابتکار و اختیار عمل پلیس برای حل مسائل فزونی یافته و حتی در مواردی امکان اقدام نه الزاما منطقی می‌توان قانون نیز به وجود آید؛ و این همان پلیس فعال دارای اختیار عمل است.

المار ویتکمپ، هانس یورگن کرنر و اولریک میر نتیجه گرفتند که شهروندان می‌خواهند که پلیس نیرومند محله پیش چشم آن‌ها باشد، با آن‌ها پیوند دوستانه داشته باشد و تمایل به حل مسائل موجود در محله داشته باشد. این انتظارات مستلزم آن است که به مفاهیم موجود، امور پلیسی جامعی و مسئله محوری، بزه‌کاران و مهم‌تر از آن بزه دیدگان نیز افزوده شوند. آنچه در عرصه‌ی ترسیم نقشه‌ی راه چگونگی تعامل نظام عدالت کیفری (پلیس) و بزه دیده باید موردتوجه قرار گیرد، این است که در این مسیر برای موفقیت بهتر، تعامل ارکان بزه یعنی: بزه‌کار، بزه دیده، جامعه و نظام عدالت کیفری ضروری می‌نماید.

- ۱- تصویب قوانین پیشگیرانه‌ها بطر بر اختیارات پلیس در پیش‌گیری از بزه دیده گی فرد؛ اعم از بزه دیدگی اولیه، ثانویه، نیابتی یا تکرار بزه دیده گی. برای مثال در سال ۱۹۶۲ در پی رواج اصطلاح «سندروم کودک موردحمله توسط هنری کمپ»، قوانین حمایت گرایانه‌ای برای پیش‌گیری از بذرقتاری، سوءاستفاده و بزه دیدگی کودکان توسط پدر و مادر، اعضای خانواده و پیشگیری از آن بسیار اثر گذار باشد. می‌بینیم که این مراجع کوچک پلیسی و فرماندهان آن‌ها در عین برخورداری از اقتدار کزار، در مواقع نیاز به بتن جامعه آمده و طی یک رویکرد مردم محور و جامعه محور موجبات تحقق اهداف نهاد عدالت ترمیمی را رقم می‌زنند؛ این در حالی است که غالب قریب به اتفاق این افراد و حتی گذشتگان آن‌ها که این رویه را به ایشان منتقل کرده اند، فاقد هر گونه دانش علمی و جرم شناسانه در این زمینه بوده اند.
- اما چرا این رویه در مراجع بزرگتر و مراکز شهری مرسوم نیست؟! سوالی قابل تامل است. به نظر می‌سد صنعتی بودن این
- ایجاد بایگانی برای ثبت سوء رفتار با کودکان باقابلیت

کشور و انواع نهادهای آشتی ساز سنتی میان بزه کار و بزه دیده در مناطق قبیله‌ای و عشیره‌ای کشور حاکی از سابقه غنی رویکردهای ترمیم گرایانه در سیستم عدالت کیفری اسلام و ایران می‌باشند؛ اما متأسفانه در عرصه ی سیاست پلیسی امروز ایران شاهد رویکرد تقنینی و اجرایی منسجم و چارچوب بندی شده در بهره گیری از این ظرفیت‌ها نیستیم؛ چه اینکه در بسیاری موارد پلیس به صورت صریح و ضمنی از اعمال این گونه اختیارات به منع شده است.

تقسیم جرایم به قابل گذشت و غیر قابل گذشت در قانون مجازات اسلامی، همزمان هم می‌تواند منطبق بر رویکردهای ترمیم گرایانه باشد و هم مخالف آن . چرا که غیر قابل گذشت بودن یک جرم فی نفسه با اصول عدالت ترمیمی در تعارض بوده و موجب در راس قرار گرفتن سیستم عدالت کیفری نسبت به سایر اضلاع جرم خواهد شد. گنجاندن موادی چون ۸۲ و ۱۹۲ در متن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی و نیز برخی متون قانونی ناظر بر جرایم اطفال، نوجوانان و مجانین در این قانون و سایر متون قانونی موجود از قبیل قانون بیمه ، می‌تواند نشانه‌هایی از توجه قانونگذار به رویکرد عدالت ترمیمی باشد.

اما بحث این مقال اختیارات علی راس پلیس ایران در بهره گیری از تدابیر عدالت ترمیمی در پیشگیری از بزه دیده گی و مواجه با بزه است. توجه اجمالی به متن قانون آیین دادرسی کیفری، به ویژه مواد ۴۴ و ۴۶ می‌تواند حامل این پیام باشد که سیاست تقنینی حاکم به شدت مخالف چنین اختیاراتی است؛ حتی در متن آئین نامه ی میانجیگری در امور کیفری مصوب سال ۱۳۹۴ نیز نقش و یا جایگاه خاصی برای پلیس به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که با مذاقه نظر بر رویه ی عملی و اجرایی پلیس به خصوص واحدهای کوچک و پاسگاه‌های روستایی می‌بینیم که این واحدها بر خلاف کلانتری‌های شهری و مراکز بزرگتر تمایل خاصی به اقدامات آشتی ساز و میانجی گرایانه داشته و در موارد لزوم نگاه خود را از عمودی صرف به افقی تغییر داده و در عرض سایر اضلاع بزه قرار می‌گیرد. در موارد متعدد توسط خود نگارنده در مقام فرمانده یک پاسگاه روستایی تجربه شده که ایشان به صورت شبانه روزی و با صرف وقت و هزینه ی شخصی هفته‌ها تلاش کرده که طرفین یک نزاع قبیله‌ای و طایفه‌ای را آشتی دهند؛ در صورتی که هیچ الزام قانونی نداشته، بلکه این رویه از سوی فرماندهان قدیمی به ایشان منتقل شده و وی نیز اخلاقاً خود را ملزم به آن می‌دانسته است. البته نقش محوری این فرمانده پاسگاه و جایگاهی که اهالی به ایشان اعطا می‌کنند می‌تواند در نفوذ کلام ایشان و قدرت پیشگیرانه ی وی در تمام شقوق بزه و انحراف و پیشگیری از آن بسیار اثر گذار باشد. می‌بینیم که این مراجع کوچک پلیسی و فرماندهان آن‌ها در عین برخورداری از اقتدار کزار، در مواقع نیاز به بتن جامعه آمده و طی یک رویکرد مردم محور و جامعه محور موجبات تحقق اهداف نهاد عدالت ترمیمی را رقم می‌زنند؛ این در حالی است که غالب قریب به اتفاق این افراد و حتی گذشتگان آن‌ها که این رویه را به ایشان منتقل کرده اند، فاقد هر گونه دانش علمی و جرم شناسانه در این زمینه بوده اند.

با تعمقی اندک در متن قرآن کریم می‌بینیم که قتل به عنوان شدیدترین جرم در زمره ی جرایم قابل گذشت تعریف، و اولیاء دم مقتول به عفو و گذشت قاتل ترغیب شده اند . علاوه بر این، آیین‌هایی چون خون صلح در غرب کشور، خون بس در جنوب

دادگاه می‌تواند از شهود به طور انفرادی تحقیق نماید و برای عدم ارتباط شهود با یکدیگر و یا با متهم اقدام لازم را انجام دهد و بعد از تحقیقات انفرادی برحسب درخواست



● سه‌شنبه اول اسفندماه ۱۴۰۲● سال دوم ● شماره ۵۱

ویژه از اماکن عمومی منتقل و به مدرسه یا محل مناسب دیگر ببرد؛ همان قانون به مقامات و رئیس شهرداری اجازه می‌دهد تا طرح خاموشی (عدم عبور و مرور اطفال در ساعات معین) را اجرا کند. ماده‌ی ۱۵ به پلیس اجازه می‌دهد تا اطفال پیداشده در محدوده‌ی تخلف از این خاموشی را به محل اقامت و نگهداری اطفال منتقل کنند. قانون رفتار ضد اجتماعی ۲۰۰۳ ارائه‌کننده‌ی یک نمونه‌ی دیگر است که به دنبال مدیریت خطر از طریق محدود کردن آزادی افراد است؛ به‌طور خلاصه مناطقی که اعتقاد متعارف بر ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی مستمر به‌وسیله‌ی گروه‌های دو یا چندنفره در آن‌ها وجود دارد به‌عنوان مناطق مورد اقدام تلقی – و ممکن است مورد اعمال چنین محدودیت هادی قرار گیرند(پرویزی فرد، ۱۳۹۱: ۱۰۵). بر اساس ماده‌ی ۱۳۶ قانون سلامت روانی انگلستان، می‌توان افراد مبتلابه اختلالات روانی در یک مکان عمومی و نیازمند کمک و یا کنترل فوری را تا ۷۲ ساعت توقیف بدون دستگیری کرد. بر اساس ماده‌ی ۱۳۸ و ۱۸ قانون سلامت روانی ۱۹۸۳ می‌توان در راستای استرداد افرادی که از توقیف موضوع این قانون فرار می‌کنند، آن‌ها را توقیف نمود. همچنین در حقوق انگلستان پلیس در بیماری‌های خطرناک یا واگیردار و مانند آن برای افزایش کنترل در این زمینه می‌تواند فرد ناقل بیماری را متوقف، توقیف و حتی تحت نظر قرار دهد. اختیار اعزام و مراقبت‌های درمانی اجباری را می‌توان به این مورد اضافه کرد.

۳- در کشور ایالات متحده‌ی آمریکا:

- افزایش کمک اداری و مالی برای اجرای برنامه‌های کمک به بزه دیده و شاهد، رانندازی شبکه‌ی بزه دیده/ شاهد در فلوریدا.
- فراهم آوردن حمایت فنی و خدمات آموزشی،
- حمایت از ابتکارات تقنینی و آموزشی،
- ارائه‌ی آموزش به بزه دیده و حمایت از او، مؤسسه‌ی ملی کمک به بزه دیدگان در وزارت دادگستری آمریکا،
- مرکز ملی بزه دیدگان، کارگروه ریاست جمهوری رونالد ریگان درباره‌ی بزه دیدگان در سال ۱۹۸۱،
- قانون فدرال حمایت از بزه دیدگان و شاهدان سال ۱۹۸۲،
- قانون بزه دیدگان ۱۹۹۴ و تأسیس صندوق کمک به بزه دیدگان، قانون کنترل جرم ۱۹۹۰ و منشور حقوق بزه دیدگان،
- سند حقوق کودکان بزه دیده ۱۹۹۰ و طرح برخی حقوق برای کودکان بزه دیده و شاهدان، خدمات محافظتی کودک، پشتیبانی از بزه دیدگان و مراجعه به افرادی که آموزش‌های ویژه در این زمینه دیده‌اند،
- قانون جبران خسارت و حقوق بزه دیدگان ۱۹۹۰؛ تعامل فعال بزه دیده در جریان دادرسی و صدور رأی و جبران تمام خسارات وی، قانون اجرای قانون کنترل جرائم خشونت‌آمیز ۱۹۹۴؛ دربردارنده‌ی بسته‌ی جامعی از حقوق بزه دیدگان جرائم خشونت‌بار،
- قانون مبارزه با تروریسم و مجازات مؤثر اعدام سال ۱۹۹۶؛ تخصیص بودجه‌ی مالی کلان برای جبران خسارت بزه دیدگان جرائم تروریستی در داخل یا خارج نیروهای مسلح،
- قانون اعمال جبران خسارت بزه دیده،
- قانون خشونت علیه زنان سال ۲۰۰۰؛ اختصاص بودجه برای پیش‌گیری از تجاوز جنسی و انواع مزاحمت‌ها برای زنان،
- احداث پناه گاه برای زنان کتک‌خورده، خانه‌های موقت برای زنان قربانی خشونت.
- قانون عدالت برای همه ۲۰۰۴؛ اختصاص ۱۵۵ میلیون دلار برای کمک به بزه دیدگان و تأمین هزینه‌ی آزمایش محتویات مدارک مربوط به بزه دیده از قبیل DNA.
- اعتباربخشی و رسمی سازی گروه‌های پلیسی در حوزه‌ی آموزش و خدمت‌رسانی به بزه دیدگان،
- راناندازی سازمان ملی یاری‌رسانی به بزه دیدگان (NOVA) در سال ۱۹۷۵. نکته‌ی جالب‌توجه اینکه بدرغم تشکیل این سازمان برای کمک به بزه دیدگان دارای مشکلات روحی، اما فعالیت‌های خود را گسترش داد و ...

ادامه در صفحهٔ ۷

شاهد یا مطلع برای حضور در دادگاه احضار می‌شود. چنانچه شاهد یا مطلع بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود و کشف حقیقت و احقاق حق، متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد، به دستور دادگاه در صورت وجود ضرورت حضور جلب می‌شود. تبصره- در احضاریه شاهد یا مطلع باید موضوع شهادت یا کسب اطلاع و نتیجه عدم حضور ذکر شود.



یادداشت حقوقی

مشروبات تقلبی

سوال:

فردی اقدام به فروش مشروب الکلی نموده و خریدار آن را آشامیده و وفق نظریه پزشکی قانونی در اثر مصرف نوشیدنی الکلی سمی دچار آسیب عصب بینایی چشم و از بین رفتن بینایی شده است، عمل فرد مذکور مطابق با کدام قانون جرم است؟



سیدعلی حسینی‌شیدا
وکیل پایه یک دادگستری

پاسخ:

برابر مقررات قانون مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶/۴/۲۲ با اصلاحات بعدی، که در راستای حمایت قانونی از مصرف‌کنندگان این مواد می‌باشد، اصولاً ناظر بر مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی است که استفاده یا مصرف آن‌ها منع قانونی ندارد؛ در حالی‌که ساختن، خرید و فروش مشروبات الکلی به هر کیفیتی که باشد، قانوناً ممنوع بوده و مستوجب مجازات مقرر در ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) اصلاحی ۱۳۸۷ می‌باشد. ثانیاً، در صورتی که احراز شود فروشنده مشروبات الکلی تقلبی (دست‌ساز) عالم به آثار ناشی از مصرف آن بوده و با قصد قتل یا وارد کردن صدمه آن را به دیگری داده است (به صورت فروش و غیر آن) و مصرف آن منجر به فوت یا صدمه به گیرنده (خریدار) شود و خریدار آگاه به تقلبی بودن مشروب و آثار احتمالی زیان‌بار ناشی از مصرف آن نباشد، قتل یا صدمه از نوع عمدی است و چنانچه خریدار به تقلبی بودن مشروب و آثار ناشی از مصرف آن آگاه بوده، فوت یا صدمه وارد شده به او، به فروشنده منتسب نمی‌شود و فروشنده صرفاً از حیث فروش مشروبات الکلی قابل مجازات است. در صورتی که فروشنده قصد قتل یا ورود صدمه نداشته و با لحاظ دست‌ساز بودن مشروبات فروخته شده که فوت یا صدمه را محتمل می‌نماید با فرض عدم اطلاع مصرف‌کننده از دست‌ساز بودن مشروب، قتل یا صدمه از نوع شبه عمد است.

امکان تحقق جرم «آدم‌ربایی» در روابط بین زن و شوهر

(تعزیرات) جابجایی فیزیکی اشخاص با قصد ربودن و بدون میل و رضایت آن‌هاست؛ به نحوی که عرفاً عنوان «ربودن» صدق کند و با توجه به واژه «هرکس» در صدر ماده یادشده، مرتکب جرم خصوصیتی ندارد؛ بنابراین وجود روابط سببی یا نسبی میان رباینده و ربوده‌شده، اصولاً مانع تحقق این جرم نیست.

ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی [اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳] مقرر می‌دارد: هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، در پاسخ به استعلام انجام شده، تحقق جرم آدم‌ربایی در روابط بین زن و شوهر را ممکن دانست.

به موجب نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه با توجه به عبارت «هر کس» در صدر ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، امکان تحقق جرم «آدم‌ربایی» در روابط بین زن و شوهر، وجود دارد.

استعلام از اداره کل حقوقی قوه قضاییه استعلامی به شرح زیر انجام شده است:

مطابق ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) بزه آدم‌ربایی جرم و قابل مجازات اعلام شده است. حال سؤال اینجاست که در روابط بین زن و شوهر در صورت وجود شرایط قانونی، تحقق چنین بزه‌ی امکان‌پذیر است؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه

اداره کل حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به استعلام مطرح شده نظریه مشورتی خود را به این صورت صادر کرده است: منظور از ربایش در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی

وظایف قوه قضاییه در قانون

- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین
- ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام
- ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.
- همچنین مطابق اصل یکصد و پنجاه و هفتم، به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضاییه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضاییه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضاییه است.

قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف مختلفی است.

مطابق اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

قانون جامع حدنگار (کاداستر) کشور

قسمت اول

قانون جامع حدنگار (کاداستر) کشور مشتمل بر ۲۰ ماده و ۱۱ تبصره است.

قانون جامع حدنگار (کاداستر) کشور مشتمل بر ۲۰ ماده و ۱۱ تبصره در تاریخ دوازدهم بهمن ماه ۱۳۹۳ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۳ به تأیید شورای نگهبان رسید.

آخرین اصلاحات این قانون در سال ۱۳۹۵ تصویب شده است.

فصل اول- تعاریف

ماده ۱- در این قانون اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌رود:

۱- حدنگار (کاداستر): فهرست مرتب شده اطلاعات مربوط به قطعات زمین است که مشخصه‌های زمین مانند اندازه، کاربری، مشخصات رقوم، ثبتی و یا حقوقی به نقشه بزرگ مقیاس اضافه شده است.



۵- سند مالکیت حدنگار: سند مالکیتی است که بر اساس حدنگاری و تحت نظام جامع تهیه می‌شود.

۶- دستگاه‌ها: کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و دستگاه‌های موضوع مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور

۷- سازمان: سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۸- منطقه: حوزه ثبتی است که به تشخیص سازمان در آن حدنگاری اجراء شده یا می‌شود.

۹- مرکز داده: مرکز ملی داده‌های ثبتی موضوع بند (م) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران است.

ادامه در شماره بعد

نحوه شکایت از عملکرد ادارات ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی، ازدواج و طلاق

و بعد از دریافت کد پیگیری، وضعیت رسیدگی به شکایت خود را پیگیری کند. شکایت باید مستند و مستدل باشد و به شکایات غیرمستند رسیدگی نخواهد شد. به همین جهت، فرد شاکی باید مدارک و مستندات شکایت خود را برای بارگذاری در سامانه اسکن کند. فراهم آوردن امکان ثبت شکایات الکترونیکی جهت تسهیل ارائه خدمات و در راستای ارتقای خدمات دولت الکترونیک و هوشمندسازی فرایندهای ثبتی و سرعت بخشیدن به امور و ارائه خدمات غیرحضوری به مراجعان انجام شده است. متوسط زمان رسیدگی به شکایت، حدود دو ماه پیش‌بینی شده که با توجه به موضوع شکایت امکان دارد مدت زمان فرآیند رسیدگی کمتر یا بیشتر شود.

مراحل شکایت از عملکرد ادارات ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی و دفاتر ازدواج و طلاق

در صورتی که فردی از عملکرد اداره‌های ثبت اسناد و املاک یا دفاتر ثبت اسناد رسمی و یا دفاتر ازدواج و طلاق شکایتی داشته باشند می‌توانند به صورت آنلاین شکایت خود را در سامانه «ثبت من» ثبت کنند. افراد برای استفاده از این سامانه باید به آدرس الکترونیکی my.ssaa.ir مراجعه کنند و پس از مشاهده گزینه‌های زیر، گزینه شکایت را انتخاب کنند.

پس از انتخاب گزینه شکایت، کاربر به صفحه‌ای به شکل زیر هدایت می‌شود که با انجام مراحل ثبت نام و دریافت کد کاربری و کد ورود، می‌توانند شکایت خود را در سامانه ثبت

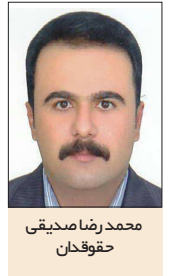
امکان شکایت از نحوه عملکرد ادارات ثبت، دفاتر اسناد رسمی و دفاتر ازدواج و طلاق به صورت آنلاین و از طریق سامانه ثبت من، ایجاد شده است. امکان ثبت شکایات مردمی به صورت الکترونیک بر روی پورتال سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از طریق درگاه «ثبت من» در سراسر کشور فراهم شده است.

سامانه ثبت من پیش از این برای تسهیل ارائه خدمات غیرحضوری مراجعان راه‌اندازی شده بود و از این پس مراجعان می‌توانند شکایات خود از نحوه عملکرد ادارات ثبت اسناد و املاک، دفاتر ثبت اسناد رسمی و دفاتر ازدواج و طلاق را به صورت الکترونیک ثبت کنند و از طریق این سامانه پاسخ شکایت خود را دریافت کنند.

یادداشت حقوقی

کارگر ساختمان مشمول قانون کار است یا قانون نظام صنفی

سوال:



محمد رضا صادقی
حقوقدان

آرماتور بند یا اسکلت بند ساختمان که به صورت پیمانکاری اسکلت بتنی ساختمان را اجرا می‌نماید فرد صنفی محسوب می‌گردد یا خیر؟
چنانچه کارگر وی در نتیجه عدم رعایت ضوابط ایمنی حین کار آسیب ببیند آیا کارگر ساختمان مشمول قانون کار محسوب می‌گردد یا کارگر فرد مشمول قانون نظام صنفی می‌باشد؟

پاسخ:

الف- با توجه به تعریف «فرد صنفی» در ماده ۳ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، پیمانکار موضوع استعلام در صورت وجود شرایط مقرر در این ماده، از مصادیق تعریف مذکور تلقی می‌شود؛
ب- چنانچه پیمانکار مطابق تعریف مذکور در ماده ۲ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، کارفرما محسوب شود، تطبیق عنوان «فرد صنفی» موضوع ماده ۲ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی وی را از شمول قانون کار خارج نمی‌کند، زیرا با توجه به مواد ۱ و ۸۵

قانون کار مصوب ۱۳۶۹، رعایت دستورالعمل‌های ایمنی مصوب شورای عالی حفاظت فنی برای کلیه کارگاه‌ها، کارفرمایان، کارگاه‌ها و کارآموزان الزامی است و لذا مشمول قانون نظام صنفی در صورتی که مشمول قانون کار (به عنوان کارفرما) نیز باشد، ملزم به رعایت موازین ایمنی یادشده است و ماده ۱۷ قانون نظام صنفی نیز افراد صنفی را مکلف به اجرای قوانین و مقررات جاری کشور (از جمله مقررات حفاظت فنی) دانسته است؛ بنابراین در فرض سؤال کارگر آسیب‌دیده با لحاظ مواد ۲ و ۱۸۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مشمول حمایت‌های مقرر در این قانون است.

لزوم تغییر رویکرد پلیس ایران پیرامون عدالت ترمیمی و

پیشگیری از بزه دیدگی با نگاهی به تجارب دیگر کشورها

ادامه از صفحه ۵:

قربانیان بلایای طبیعی و فن‌آوری را نیز در بر گرفت. این حرکت می‌تواند در راستای دیدگاه مندلسون درباره‌ی بزه دیده شناسی عمومی باشد.

بر پایه‌ی گزارش اداره‌ی بزه دیدگان وزارت دادگستری ایالات متحده‌ی آمریکا، عرصه‌ی خدماتی بزه دیدگان از حرکت واکنشی دفاع محور اولیه [پیشگیرانه‌ی صرف] نسبت به بزه دیدگی، به‌سوی «عرصه‌ی خدماتی و دفاعی کامل که پاسخ گوی نیازهای جسمانی، اقتصادی و روانی بزه دیدگان و خانواده‌های آن‌ها می‌باشد» حرکت کرده است. (فیشر و پی لب، ۱۳۹۳؛ ۱۴۲۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت؛ بر اساس بند ۸ ماده‌ی ۴ ق.ا.ج.ا. مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی امر پیش‌گیری از وقوع جرم و بزه دیدگی به‌صورت کلی از وظائف نیروی انتظامی است، اما در این مورد اختیار فعال و مشخصی در ورود به قضیه، بررسی و

پلیس اعطا کنیم. ضمن اینکه نفع این اقدامات در وهله‌ی اول شامل عموم جامعه، سپس بزه دیده‌ی احتمالی و در آخر خود بزه‌کار نیز خواهد شد، چراکه با پیش‌گیری از بزه‌کاری او، مانع خسارت و مجازات و ضررهای بزرگ‌تر ناشی از مجازات نسبت به او خواهیم شد. البته نفع به نظر می‌رسد که در خصوص پیش‌گیری از بزه دیدگی باید قائل به یک سیاست جنائی افتراقی شده و یک سری اختیارات خاص را برای پیش‌گیری از آن‌ها به پلیس اعطا شود؛ و در تهیه‌ی و تدوین این اختیارات و رویکرد عملی پلیس در بهره‌گیری از آن‌ها از نگاه عمودی و اقتدار گرا پرهیز گردد، و توجه کافی به رویکردهای افقی و ترمیم‌گرایانه صورت پذیرد.

در پایان باید یادآور شد که نظریه‌ی خوب، نظریه‌ای است که می‌تواند مورد آزمون قرار گیرد، و به بهترین شکل با دلایل و شواهد تحقیق، همخوانی دارد (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۵: ۱۹)؛ بنابراین با توجه به سوابق تاریخی نهادهای ریش سفیدی، خون صلح، خون بس و موارد مشابه دیگر عدالت ترمیمی می‌توان ادعا نمود که پیشنهاد و نظریه‌ی مورد حمایت این پژوهش، واجد چنین ویژگی‌هایی هست.

پیشگیری از آن برای پلیس متصور نیست. نحوه‌ی تعامل و نقش‌آفرینی پلیس به‌عنوان اهرم اجرایی سیستم عدالت کیفری با بزه دیده مغفول مانده، لذا در نظام پلیسی و پیش‌گیری از جرم جایگاه و برنامه‌ی مشخص، سیستماتیک و هدفمند برای پیش‌گیری از بزه دیدگی اولیه، ثانویه، نیابتی و به تکرار افراد، یا حمایت از این قشر به چشم نمی‌خورد؛ درحالی‌که به‌موجب قوانین برخی کشورها چون انگلیس پلیس می‌تواند در این مورد راسا وارد حریم خصوصی افراد شده و چنین اشخاصی را تا تعیین تکلیف به مکان امن منتقل نماید و یا مظنونین به ارتکاب بزه علیه این فرد را در شرایطی که هنوز بزه‌ی صورت نگرفته توقیف نماید.

امروزه با توسعه‌ی مفاهیم مربوط به بزه دیده شناسی و به رسمیت شناخته شدن حقوق بزه دیده، مشاهده می‌شود که واقعاً برخی از صدمات روحی، روانی و عاطفی بزه دیده، با هیچ مجازات، جریمه و خسارتی جبران‌پذیر نیست؛ مثلاً انواع تجاوزات جنسی به عنف نسبت به زنان و بچه‌ها و اهمیت همین حقوق کافی است تا وارد میدان شده، به جهت حمایت و پیشگیری از صدمات به این حقوق برخی اختیارات را به

رضایت و گذشت قطعی

خصوص حق شاکی تصمیمی نداشته است پس ماده ۴۸۳ قابل اعمال نیست ۳- چون روح حاکم بر وضع ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری کمک به متهم بوده شعب مکلف به اعمال هستند در جهت اجرای رای و مختومه شدن پرونده است در قانون جدید مجازات اسلامی، رضایت مشروط هم آمده و این منوط به جبران خسارات وارده به شاکی خصوصی است و گرنه این رضایت تأثیری نخواهد داشت در فرآیند رسیدگی پس رضایت و گذشت و انصراف در حذف وصف تعزیراتی اعم از



دکتر امیر عزیزی
حقوقدان و مدرس
دانشگاه

عنصر قانونی و مادی و معنوی تأثیری ندارد ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری: گذشت شاکی بعد از صدور حکم قطعی در جرایم غیر قابل گذشته موجب ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری هر گاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند محکوم علیه میتواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود در این صورت دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری (با حضور دادستان یا مدعی العموم به نمایندگی از جامعه) رسیدگی میکند و در صورت اقتضا و در حدود قانون تخفیف میدهد یا مجازاتی که مناسب‌تر به حال محکوم علیه باشد تبدیل میکند. این رای قطعی است. گذشت شاکی در حین رسیدگی در جرایم غیر قابل گذشت. در اینصورت هرگاه شاکی در این گونه جرایم از شکایت خود صرفه نظر نماید به موجب قانون برای مشتکی عنه موجبات تخفیف مجازات میباشد. در این ماده مقنن تصریح داشته شاکی یا مدعی خصوصی که این دو کلمه می‌تواند هر کدام بار حقوقی مرتبط با خود را داشته باشد مثلاً فردی یا شخصی طرح شکایت داشته که فلان تخلف توسط فلان فرد اتفاق افتاده و درخواست رسیدگی داشته باشد و یا همین فرد علاوه بر درخواست رسیدگی مطالبه خسارت هم نماید که این دو می‌تواند در اعمال ماده ۴۸۳ توسط شعب مورد توجه واقع گردد

و این را باید دانست که تمام جرایم و تخلفات غیر قابل گذشت هستند مگر اینکه مقنن جرایم قابل گذشت را معین کرده باشد در ضمن اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی می‌تواند شاکی یا مشتکی عنه باشند.

همانطور که مشخص است هدف از مجازات در جرایم کیفری تحقق نظم و تحکم حق می‌باشد و این تحقق مستلزم ضمانت اجرا است که همان مجازات کیفری و مدنی، (حبس، جریمه، جبران خسارات مادی و معنوی) است حال اگر تشکیل پرونده بر مبنای گزارش مراجع دولتی باشد که گذشت و رضایت و انصراف نقشی ندارند مگر اینکه آن مراجع از نظر مقنن چنین اختیاری را داشته باشند مثل اداره میراث فرهنگی و گردشگری. اما شکات خصوصی مثل هر

شهروندی می‌تواند گذشت یا رضایت یا انصراف را اعلام نماید، در جرایم عمومی شعب می‌توانند حسب مورد و توضیح پیش گفته اعمال ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری را داشته باشند لذا رضایت قبل از جرم یا تخلف، گذشت بعد از جرم یا تخلف و زمان دادرسی، انصراف بعد از قطعی حکم قطعی رضایت قبل از جرم در جرایم عمومی قابل قبول نیست مگر نسبت به حق شاکی خصوصی. انصراف از شکایت می‌تواند بعد از قطعی حکم توسط شاکی اعلام و محکوم علیه درخواست تخفیف نماید گذشت بعد از جرم از موجبات تخفیف مجازات می‌تواند باشد با توجه به اینکه تخلفات صنفی و تعزیراتی کیفری دارای جنبه و ماهیت عمومی است صرفاً این سه عنوان می‌تواند موجبات تخفیف در مجازات را داشته باشد

معمولاً مبنای تشکیل پرونده‌های صنفی تعزیراتی کیفری که با شکایت شاکی خصوصی تنظیم می‌شود انصراف شاکی از شکایت می‌تواند برابر ماده ۴۸۳ ق ا د ک موثر واقع شود شاکی می‌تواند حق خود را ببخشد یا کمتر یا بیشتر بگیرد و بعد انصراف از شکایت بدهد شعبه صادر کننده رای قطعی می‌تواند در وقت فوق العاده رسیدگی و در حد مقررات تخفیف مقتضی را اعمال نماید که پرونده اجرا و مختومه شود.

یک سوال: اگر شاکی در شعبه بدوی رضایت دهد و شعبه صرفاً رای به محکومیت دولتی دهد و متهم اعتراض کند و شعبه تجدید نظر رای بدوی را تأیید و ابرام نماید و در زمان اجرا شاکی اعلام انصراف نماید آیا شعبه صادر کننده رای قطعی می‌تواند ماده ۴۸۳ را بپذیرد؟ جواب: اختلاف نظر هست ۱- چون مبنای تنظیم و تشکیل پرونده شکایت شاکی خصوصی بوده شعب مکلف به اعمال ماده ۴۸۳ می‌باشند ۲- چون شاکی در شعبه بدوی گذشت کرده و شعبه در

یادداشت حقوقی

جاذنی بعنوان بیمار

سوال:

شخصی که محکوم به حبس ابد شده است مدعی می‌شود که دارای بیماری ایذر و هیپاتیت است و پس از انجام چند تست صحت ادعای وی تأیید قرار می‌گیرد لذا به دلیل همین بیماری پرونده وی به کمیسیون عفو ارجاع و ایشان از زندان آزاد می‌گردد پس از آزادی معلوم می‌شود مشارالیه دارای بیماری نبوده و او فردی را به جای خود برای انجام آزمایش‌های مقدماتی جهت تثبیت بیماری مذکور به آزمایشگاه‌های محل انجام آزمایش معرفی نمود یا اینکه از خون فرد دیگری برای آزمایش استفاده کرده است حال آیا این رفتار وی دارای وصف مجرمانه دارد یا خیر؟



نگار کمال
وکیل پایه یک دادگستری

پاسخ:

الف: نظر به اصل قانونی بودن جرم و مجازات مذکور در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تقید قاضی کیفری به نص قانون و این که تفسیر موسع قوانین کیفری مغایر اصول و موازین قضایی است، بنابراین در فرض سوال، صرف این که محکوم علیه جهت احراز بیماری خود نزد مقامات ذیربط، فرد دیگری را به جای خود جهت آزمایش‌های مربوط معرفی نماید، رفتار ایشان به کیفیت موصوف، فاقد وصف مجرمانه است، اما اگر چنانچه برای انجام این عمل، مرتکب اعمالی شود که جرم باشد، با رعایت شرایط قانونی قابل تعقیب است. شایسته ذکر است عنوان مجرمانه مذکور در ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، مبنی بر مساعدت برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت، ناظر به غیر مجرم و مرحله‌ای قبل از صدور حکم است و از فرض سوال خروج موضوعی دارد، همچنین، مقررات فصل هفتم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و نیز ماده ۳ قانون مربوط به تخلفات و جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی، با توجه به عناصر و ارکان تشکیل دهنده بزه‌های مربوط، از قلمرو موضوع سوال خروج موضوعی دارد، النهایه آنچه در خصوص فرض سوال، می‌توان بیان داشت این است که عمل فرد محکوم در صورت استفاده از شناسنامه‌ی ایشان توسط فرد آزمایش دهنده با احراز سایر ارکان بزه که احراز آن با مقام قضایی است، ممکن است مشمول ذیل بند ب ماده ۲ از قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی باشد.



یادداشت حقوقی

قصور پزشکی



وحید استادی
حقوقدان

رعایت موازین فنی و نظامات پزشکی منتهی به صدمه بدنی یا فوت» به حبس و محرومیت موقت از طبابت به عنوان مجازات کیفری از سوی مرجع قضایی و نیز از حیث تخلف انتظامی در رابطه با همان موضوع به محرومیت موقت از طبابت (موضوع بندهای «د»، «ه» و «و» ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی مصوب ۱۳۸۳) از سوی هیأت انتظامی سازمان نظام پزشکی محکومیت قطعی یافته باشد، با توجه به این که محکومیت کیفری و انتظامی در خصوص محرومیت موقت

از طبابت از یک نوع است و لحاظ ملاک تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در صورتی که مدت محرومیت از طبابت یکسان باشد، اجرای یک مجازات به منزله اجرای مجازات دیگری نیز خواهد بود. بدیهی است که در صورت متفاوت بودن مدت محرومیت در احکام کیفری و انتظامی، مدت محرومیت بیشتر ملاک اجرا خواهد بود.

سوال:

پزشکی به دلیل تقصیر پزشکی از سوی دادگاه به حبس و محرومیت از طبابت برای مدتی محکوم شود و از طرف دیگر برای همان موضوع از طرف هیأت انتظامی نظام پزشکی به محرومیت از طبابت محکوم شود آیا اجرای هر دو حکم محرومیت ضروری است یا محرومیت قضایی جایگزین انتظامی آن هم می‌شود؟

پاسخ:

فلسفه تعیین مجازات‌های کیفری حفظ نظم عمومی و دفاع از منافع اجتماعی است که با فلسفه مجازات‌های انتظامی که به منظور خودپالایی صنفی و حفظ نظم و شئون صنفی می‌باشد، متفاوت است و لذا علی‌الاصول هیچ یک از مجازات‌های کیفری و انتظامی مانع از اجرای دیگری نخواهد بود ولیکن چنانچه در مواردی نظیر فرض استعلام که پزشک به اتهام ارتکاب بزه «عدم